**چكيده سخنراني‏ها در نشست‏هاي سه‏گانه «نقد ادبي؛ و پژوهش‏هاي بين‏رشته‏اي»**

**دكتر حسينعلي قبادي (عضو هيأت علمي دانشگاه تربيت مدرس/ قائم مقام رئيس پژوهشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي)**

**اقلیم حضور : حضور تعاملی و هم افزایانه ادبیات فارسی و فرهنگ اسلامی در جهان**

بنیان­های ادبیات ایران در روزگار باستان عمدتاً در رهیافت‌های شهودی و نگرش اشراقی ریشه داشته و رویکرد مینوی و قدسی پایه‌های آن را شکل داده است. چنین ادبیاتی اساساً با پیام محوری اسلام، یعنی رحمت، مهربانی، انسان دوستی، زیبایی و نگاه آسمانی و گرایش اخلاقی و عرفانی سنخیت داشته است. به محض گسترش معرفت و آیین اسلامی، ایرانیان پیش از هر ملتی از روح تساهل، مدارا، گفتگو‌مندی و ظرفیت‌های زیبایی شناسی و عرفانی قرآن کریم و مظاهر فرهنگی و آیین اسلام بهره جسته و آنها را از قوّه در آوردند. نقش ادیبان، حکیمان، دانشمندان و بویژه عارفان ایرانی در تعیین و شکوفاسازی توان بالقوه فرهنگی و ادبی حوزه معارف اسلامی در سراسر جهان بی‌بدیل است و ادبیات فارسی عملاً به آیینه و انعکاس‌گر اندیشه‌های حکمی، اخلاقی، معرفتی، تعلیمی و جهان‌نگری حوزه اسلامی و طلایه‌داری گسترش دیدگاه‌ها، ارزش‌ها و آموزه‌های این دین مبین تبدیل شد و عامل فزاینده و تصعید‌گر برای نشر باورها و جاذبه ها آن در بسیاری از نقاط عالم از شبه قاره تا منطقه بالکان واقع گردید. روش تحقیق توصیفی- تحلیل و ابزار پژوهش کتابخانه، اسناد و فضای مجازی است. چهارچوب نظری بر بنیاد رهیافت بینا متنی و مطالعات بینا‌فرهنگی شکل گرفته است.

**دكتر عليرضا انوشيرواني (عضو هيأت علمي دانشگاه شيراز)**

**نظریۀ اقتباس**

اقتباس بین‌رسانه‌ای از حوزه‌های روبه‌رشد مطالعات ادبی است. در قلمرو ادبیات تطبیقی هنری رماک، استاد ادبیات تطبیقی دانشگاه ایندیانا، برای اولین بار نظریۀ مطالعات بین رشته‌ای ادبیات و سایر علوم و هنرها را طرح نمود. بسیاری اقتباس را کاری دستِ دوم و فرعی می‌شمارند و اولویت را به متن اصلی می‌دهند. در این جستار نشان خواهیم داد که اقتباس هر چند از نظر زمانی بعد از اثر اصلی به‌وجود می‌آید و متأثر از متن اصلی است ولی به‌هیچ‌روی امری دست دوم و اشتقاقی محسوب نمی‌شود. اقتباس تفسیر و خلق دوباره است که گاه از متن اصلی پیشی می‌گیرد. رایج‌ترین نوع اقتباس تبدیل متن نوشتاری (مانند رمان) به متن دیدرای (مانند فیلم) است. در این مقاله با استفاده از دیدگاه صاحب‌نظرانی از قبیل لیندا هاچن، ژولی سندرز، رابرت استم، کامیلا الیوت و دادلی اندرو نظریه و روش تحقیق در مطالعات اقتباس را، به مثابۀ حوزه‌ای بین‌رشته‌ای در قلمرو وسیع ادبیات تطبیقی، بررسی خواهیم کرد. این حوزۀ جدید از مطالعات بین‌رشته‌ای پنجره‌های جدیدی برای پژوهش‌های ادبی بر روی ما می‌گشاید.

**دكتر عليرضا نيكويي (عضو هيأت علمي دانشگاه گيلان)**

**دلوز، قلمروزدایی و مطالعات میان­رشته­ای**

مطالعات میان­رشته­ای، ­واکنشی است در برابر تخصص­گرایی جدید و پیکربندی علوم در شکل سنتی و ساختار سلسله­مراتبی[[1]](#footnote-2) آنها. نگاهِ تخصصی بر« مرزها وقلمروها » اصرار می­ورزد و به بهانه­ی تاکید بر انضباطِ روشی، به انضباط رشته­ای می­رسد در مقابل رهیافت میان­رشته­ای،نه به قلمروسازی وتکه تکه کردنِ دانش­ها؛ که به حرکت در خطوطِ گریز[[2]](#footnote-3) ومیدان­های متقاطع وعبور از مرزها دعوت می­کند.

ادبیات چه از حیث تکوین و چه درمقام قرائت وتفسیر وچه به اعتبار کارکرد با علوم وفنون مختلف ارتباط پیچیده و گسترده­ای دارد. دراین مقال کوشش می­کنیم تا با استفاده از آراء دلوز ضرورت­ها، مبانی و سازوکارهای این ارتباط را نشان دهیم.

این پژوهش حکایتگر دو حقیقت است؛ یک: ادبیات فارسی عامل مهم گسترش فرهنگ اسلامی بوده است. دو: بن مایه‌ها، درونمایه‌ها و آموزه‌های اسلامی، نقشی تعیین کننده در غنی شدن و افزایش جاذبه و جهانشمولی آن در عرصه ادبیات فارسی ایفا کرده است. بنابراین این دو به صورت متقابل به یکدیگر خدمت کرده‌اند و هر یک در خدمت شکوفایی و گسترش دیگری در آمده است. در آینده نیز چنین خواهد بود. ادبیات فارسی می‌تواند عاملی پر جاذبه برای پذیرش اسلام برای مخاطبان معرفتگرای حقیقت دوست در دنیا باشد و اسلام به عنوان پیش نفیس و پایدار این جاذبه خواهد بود.

کلید واژگان : ادبیات فارسی، فرهنگ اسلامی، خدمت متقابل، هم افزایی، جهانشمولی

**دكتر ابرهیم خدایار (عضو هيأت علمي دانشگاه تربيت مدرس)**

**از مناظره تا نمایشنامه**

اغلب پژوهشگران، مناظره (debate) را در ذیل انواع فرعی (sub-genre) قرار داده‌‌، آن را از نظر ماهیّت از فروعِ ادب حماسی به شمار آورده‌اند. برخی اصطلاح نوع ادبی را برای مناظره به کار نبرده و آن را قالب یا شکل ادبی به شمار آورده‌­اند، ولی گفتگو را نوع ادبی دانسته‌اند. مناظره اگر در دلِ قالب‎ها و نوع‎های دیگر به کار گرفته شود، از نظر هویتِ گونه‌ای به شگرد ادبی(Literary Devices) تنزل می‏یابد؛ اما وقتی حالت کاملاً مستقل به خود می‎گیرد، خود به نوع ادبی ارتقا می‎یابد. این­که در ادب ملل اسلامی، قدما هیچ‌گاه به­طور مستقل به تبیین نوع ادبی نپرداخته‌ و ژانرشناسان معاصر نیز اذعان کرده‎اند نمی‏توان به‏صراحت نوع ادبی آثار را به‎طور کامل مشخص کرد، امری پذیرفته‏شده ‌است. نوع ادبی مناظره به واسطۀ نداشتن پیرنگ نمایشی و ساختار کنشی کلاسیک، نمایشنامه محسوب نمی‏شود؛ اما به واسطۀ ساختار گفتگویی و ابزارهای نمایشی به­کار رفته، دارای قابلیت خوانش نمایشی است. *مناظره* در شش لایۀ لحن و زبان، شخصیت­پردازی، کنش، کشمکش، زمان و مکان و ابزار نمایشی دارای جنبه­های نمایشی است.

**بررسي تطبيقي مضامين مشترك "گلستان" سعدي و "الادب الصغير و الادب الكبير" ابن مقفع**

**دكتر زین العابدین فرامرزی (عضو هيأت علمي دانشگاه گنبد كاووس)**

گلستان سعدي و الادب الكبير و الادب الصغير ابن مقفع دو اثر گرانقدر در ادب فارسي و ادب عربي است كه به جهت بهرمندی از سرچشمه هاي مشترك حكمت، تجلیگاه اشتراکات موضوعی بسياري شده است. هر چند این دو اثر از جهت ساختار شكلي، دارای تفاوتهای بسیاری از حیث باب بندی،آمیختگی با نظم و نثر ، قالب داستانی و شخصیت پردازی است، ولي از جهت بهره­مندی از حكمتهاي الهام گرفته از بنیانهای عقلانی ـ تاریخی ایرانیان اشتراکاتهای مضمونی فراواني با هم دارد. پژوهش حاضر سعي بر آن دارد تا با بررسي اين دو اثر، به تعيين محورهاي محتوايي و موضوعي مشترك ميان آن دو پرداخته و ميزان اثر پذيري آنها از انديشه و خرد ورزي ايرانيان را در اين زمينه بيان نمايد. شيوه‌ي كار در مقاله‌ي حاضر تحليل محتوا بوده و اين پژوهش به صورت كتابخانه‌اي به انجام رسيده است. برخي از مهم‌ترين محورهاي محتوايي مشترك اين دو اثر عبارتند از: توجه خاص به روابط اجتماعی طبقات مردم ، توجه ویژه به جایگاه خرد، پرهیز از تعصبات قومی و دینی، توجه خاص به حکمت، بکارگیری پند و اندرز با اهداف تربیتی، جهان محوری است. در حيطه‌ي اشتراكات موضوعي دو اثر نيز مي‌توان به اين موارد اشاره نمود: 1. در باب فضیلت خاموشی 2. نخست اندیشه آنگاه عمل 3. خوار نشمردن امور کوچک 4. همنشینی با نیکان 5. در ذم حسد 6. احوال پادشاهان 7. زهد راستین 8. تعلیم و تربیت دیگران با عمل خوب 9. پرهیز از آزمندی و حرص 10. منت نگذاشتن بر دیگران 11 . حقیقت هنرمندی و خوبی12. دریافتن هدف به صدفه

**كليدواژگان:** بنيان‌هاي عقلاني، تمدن ايراني، گلستان، الادب الصغير و الادب الكبير، سعدي، ابن مقفع

**دكتر شكوه السادات حسيني (عضو هيأت علمي دانشگاه شهيد بهشتي)**

**تداخل فرهنگی بر مبنای بینامتنیت در رمان نویسی واسینی الأعرج**

حافظه تاریخی ادبیات عربی سابقه چندانی از قصه‌گویی به شیوه داستان‌های هزار و یک شب و کلیله و دمنه ندارد. دست کم، آثار به جای مانده ازپیش از اسلام چنین نشان می‌دهد.

پس از اسلام و گشایش مرزهای مشرق زمین به سوی فاتحان عرب، نومسلمانان مجال آن یافتند تا در گستره تمدن جدیدی که در حال شکل گیری به دست اقوام سرزمین‌های فتح شده بود، از آبشخور فرهنگ‌های شرقی روایتگری را که ریشه‌ای دیرینه در آنها داشت، وام گیرند و در گذر زمان و برخورد با فرهنگ‌ نوپای غربی و ورود به تمدن و شهرنشینی آن را به شکل رمان امروزین تجربه نمایند.

رمان نویسان امروز جهان عرب با بهره‌گیری از آن میراث فرهنگی و این آموزه‌های جدید که به واسطۀ استعمار و پدیدۀ جهانی شدن به طور مستقیم از فرهنگ غربی دریافت کردند، رمان‌هایی نوشتند که در عرصه جهانی قابل ارائه است.

در میان این نام‌های درخشان، واسینی الأعرج، رمان نویس الجزایری، با ویژگی‌های خاص خود خوش درخشیده است. او برخلاف بسیاری از هم‌نسلان خویش که به زبان فرانسوی می‌نوشتند، به گفته خویش زبان عربی به سراغ وی نیامده، بلکه او بوده است که به سراغ زبان عربی رفته و با الهامات نوستالژیک از فضاها و مکان‌های عربی اطراف خود، رمان‌های ارزشمند متعددی خلق کرده که نائل به دریافت جایزه‌های جهانی شده است.

این جستار بر آن است تا از رهگذر بینامتنیت، تداخل فرهنگ ایرانی و عربی را در رمان‌های واسینی الأعرج بررسی نماید.

**دكتر زهرا حياتي**

**مطالعات ميان رشته اي ادبيات و سينما**

تعامل ميان ادبيات و سينما در دو عرصه جريان دارد: ساخت فيلم داستاني از داستان‏هاي مكتوب ادبي كه به آن اقتباس ادبي گفته مي‏شود؛ و بررسي علمي اقتباس ادبي كه مي توان از آن به عنوان مطالعات اقتباسي يا مطالعات تطبيقي اقتباس ياد كرد. مطالعات اقتباسي هم در حيطه نظري مطرح است هم در حوزه عملي. مرور اين مطالعات نشان مي‏دهد رابطه ادبيات و سينما اگر در بستر تحقيقات بين‏رشته‏اي و از نگرگاه مطالعات فرهنگي دنبال شود، راهكارهاي سودمندي در توسعه فرهنگي به دست مي‏دهد. جريان مطالعات اقتباسي در ايران از دهه شصت آغاز شده و در روزگار كنوني كه نخستين سال‏هاي دهه نود است به اوج خود رسيده است. سير اين پژوهش‏ها نشان مي‏دهد چند نگاه مشخص در تحقيقات وجود دارد كه مي‏توان آن‏ها را دسته بندي و نقد كرد و الگوهايي منسجم را در اين شاخه مطالعاتي تعريف نمود.

**دكتر معصومه نعمتي قزويني**

**رهیافتی نوین در نقد ترجمه­های معاصر از قرآن کریم**

گرچه تاکنون نظریه های گوناگونی درباره میزان کارآمدی ترجمه در انتقال مفاهیم، به وجود آمده اما تقریبا روش علمی متقنی برای رسیدن به پاسخ دقیق و روشن این سوال مطرح نشده است. با این حال به نظر می رسد با به کارگیری برخی از نظریه های جدید درحوزه تحلیل متن بتوان به پاسخ هایی درخور دست یافت. نظریه جدید انسجام و پیوستگی هلیدی و حسن(1985) از جمله روش هایی است که به کمک آن می توان میزان انسجام و پیوستگی متون و در نتیجه متنیّت آن را مورد بررسی و ارزیابی قرار داد. افزون براین با توجه به اهمیّت ترجمه در حوزه متون دینی و به ویژه قرآن کریم­که برخاسته از جایگاه این دسته متون در حوزه اعتقادی و تربیتی است، به نظر می رسد بتوان با کاربست این نظریه در متن ترجمه های موجود ومقایسه آن با متن اصلی، تا حدودی میزان میزان کارآمدی ترجمه و توفیق مترجم در انتقال مفاهیم را ارزیابی نمود. براین اساس سوره« بّینه» و ترجمه آن از طاهره صفارزاده به عنوان نمونه انتخاب شده و با استفاده از الگوی مذکور مورد تحلیل و بررسی قرارگرفت. نتایج پژوهش نشان دهنده این است که با توجه به درصد بالای انسجام و شباهت متن مقصد به مبدأ درنحوه کاربست عوامل انسجام، مترجم در انتقال مفاهیم سوره موفق بوده است.

**دكتر اصغر فهیمی فر (عضو هيأت علمي دانشگاه تربيت مدرس)**

**مروری تاریخی بر تعامل ادبیات هنر و نقاشی**

پیشینه وحدت زیبا یی شناختی و مضمونی بین ادبیات و هنر در ایران دارای قدمت بسیاری است. این وحدت در دوران جدید با تحولاتی که در حوزه هنر ناشی از تا ثیر فر هنگ و هنر غرب اتفاق می افتد دچار گسیختگی میشود. این مطالعه ضمن رجوع با مبانی وحدت در هنر و ادبیات در گذشته به علل این گسیختگی اشاره میکند. ناگفته نماند حیطه این مطا لعه عموما بر تصویر و نقاشی در ایران تمر کز دارد.

پیوستگی نقاشی ایرانی با ادبیات فارسی سبب شد تا نقاشی از مضامین متنوع ادبی و شگردهای زیبا یی شناختی ان بهره بگیرد. ادبیات فارسی و نقاشی و هنر ایرانی دارای پیوند درونی و جوهری با یکدیگر دا شته اند زیرا چه نقاش و چه ادیب بر استاس بینشی یکسان و ذهنیتی مشابه دست به افرینش می زده اند.

با اختراع هنر های جدید در غرب و ارسال ان به ایران عملا تلقی های بنیادین در خصوص ادبیات و هنر از یکدیگر فاصله گرفت و و حدت زیبا یی شننا ختی این دو حیطه از هم گسیخت.

**کلمات کلیدی:** ادبیات داستانی و نقاشی. تعامل زیبا یی شناختی و مضمونی. وحدت زیبا یی شناختی

1. Hierarchical [↑](#footnote-ref-2)
2. lines of flight [↑](#footnote-ref-3)